جستارهای تاریخ اسلام
دوفصلنامه علمی ـ پژوهشی جستارهای تاریخ اسلام
سال پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان ۱۴۰۴
صفحات: ۳۷-۵۸

مطالعه تاریخی جایگاه و تأثیر ابوحمزه ثمالی در انتقال و تثبیت نظریه امامت

فرهاد نعمتی[۱]

چکیده

ثابت‌بن‌دینار ابوحمزه ثمالی، از راویان سرشناس و مورد اعتماد امامیه در کوفه است. وی دوره امامت امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم‌السلام را درک و احادیث زیادی را به‌صورت مستقیم از آنان دریافت کرد. بخشی از روایات ابوحمزه، درباره امامت و مسائل آن است. در میراث روایی وی، مواردی نظیر ضرورت وجود حجت، خلافت و حجت الهی، ولایت امامان، علم امام، وجوب اطاعت از امام، انجام دادن امور خارق‌العاده و نص بر تعیین امام وجود دارد. باور به دوازده امام و پیوند آن به دوازدهمین آنان به‌عنوان قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، اهمیت توجه به روایات ابوحمزه را دوچندان کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی، به واکاوی نقل‌های رسیده از ابوحمزه و پرسش‌های وی از امامان درباره امام‌شناسی می‌پردازد. یافته‌های پژوهش گویای آن است که روایات ابوحمزه، در انتقال مفاهیم درباره امام‌شناسی در منابع بعدی نقش داشته و با محتوای روایات دیگر راویان امامی و اعتقادات رایج امروزی امامیه همخوان است. این روایات، پیوند میان مفهوم معرفت امام، علم امام و مشروعیت الهی امامت را در عصر امام سجاد علیه‌السلام تا امام صادق علیه‌السلام بازتاب می‌دهند.

واژگان کلیدی: ابوحمزه ثمالی، امامت، مقام ولایت، کوفه، علم امام.

---

۱. دکترای مدرسی معارف اسلامی گرایش تاریخ و تمدن اسلامی و محقق رسمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران؛ f.nemati@isca.ac.ir.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵

https://jte.jz.ac.ir/article_238897.html

مقدمه

واقعه عاشورا یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای سیاسی و اجتماعی تاریخ اسلام بود که جهان اسلام، به‌ویژه منطقه عراق را به شدت تحت تأثیر قرار داد. در پی این حادثه، تحولات گسترده‌ای همچون ادعای حکومت عبدالله‌بن‌زبیر در مکه، قیام حره در مدینه، نهضت توابین و قیام مختار در کوفه و نیز به قدرت رسیدن شاخه بنی‌مروان در شام، فضای سیاسی و اجتماعی جهان اسلام را آشفته و نابسامان ساخت. شهادت مظلومانه و بسیار تلخ امام حسین علیه‌السلام، پیامدهای عمیقی در ساختار سیاسی و فکری جامعه اسلامی بر جای گذاشت و سبب شد ارتباط مستقیم مردم و شیعیان با امام سجاد علیه‌السلام به طور محسوسی کاهش یابد. از دید تاریخی، در نیمه نخست قرن دوم هجری، جامعه شیعه با سه بحران عمده روبه‌رو بود: نخست، بحران سیاسی که بر اثر فشارها و سرکوب‌های گسترده امویان پدید آمد و موجب شد پیوند میان شیعیان و امامان، به‌ویژه امام سجاد علیه‌السلام به شدت محدود شود. دوم، بحران فکری ناشی از پیدایش انشعابات درون شیعی، ازجمله کیسانیه و زیدیه، که هریک با ارائه تفسیر خاصی از مفهوم امامت، مبانی اعتقادی شیعه را به چالش کشیدند. سوم، بحران هویتی که پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام ضرورت بازسازی فکری و اجتماعی شیعی را ایجاب می‌کرد.

در این شرایط، مسئله امامت به یکی از اساسی‌ترین مباحث فکری و سیاسی در میان شیعیان بدل شد. شهر کوفه به‌عنوان مرکز تجمع شیعیان در این دوره، عرصه شکل‌گیری و تقابل گفتمان‌های گوناگون درباره امامت بود. کیسانیه امامت محمدبن‌حنفیه را پذیرفتند، زیدیان امامت را با قیام مسلحانه پیوند زدند، و افرادی مانند مغیره بن سعید و ابوالخطاب با گرایش‌های غالیانه، از جریان اصلی شیعه فاصله گرفتند.

در چنین فضای فکری و سیاسی حساسی که برای امامت و شیعه به شمار می‌رفت، شخصیتی مانند ابوحمزه به امام سجاد علیه‌السلام پیوست. در دوره‌ای که جریان‌های کیسانی و زیدی برداشت خاصی از امامت ارائه می‌کردند، روایات ابوحمزه نقش مهمی در تبیین جایگاه امام به‌عنوان حجت الهی ایفا کرد. مطالعه روایات ابوحمزه به‌عنوان یکی از راویان این دوره امامیه می‌تواند به شناخت بهتر چگونگی استمرار و انتقال مفاهیم امامیه، به‌ویژه

در حوزه امامت کمک کند. این مسئله همچنین در شناخت باور محدثان این عصر در موضوع امامت اهمیت دارد. پژوهش پیش رو با روش توصیفی ـ تحلیلی، به تبیین روایات برجای‌مانده از ابوحمزه ثمالی در عرصه مسائل مرتبط با امامت و امام‌شناسی می‌پردازد.

درباره شخصیت و جایگاه ابوحمزه ثمالی، مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که برخی از آنها عبارت‌اند از: مقاله «ابوحمزه ثمالی، استاد متروک الحدیث حفص‌بن‌غیاث؛ تحلیل و ارزیابی دو فرضیه»، نوشته علی راد به نقد تضعیف وی از سوی منابع عامه با تمرکز بر گزارش ابن‌ابی‌حاتم رازی (م۳۲۷ق) درباره ترک حدیث ابوحمزه از سوی حفص‌بن‌غیاث پرداخته است. مقاله «کاوشی در شناخت رجالی ثابت‌بن‌دینار ابوحمزه ثمالی» از محمدصادق حسینی‌سرشت و مقاله «نگاهی کوتاه به شخصیت علمی و معنوی ابوحمزه ثمالی» نوشته مریم ولایتی، به معرفی ابوحمزه، وثاقت و آثار وی پرداخته است. مقاله «ابوحمزه ثمالی» در دانشنامه جهان اسلام و مقاله «آل‌ابی‌صفیه» در دائرة المعارف بزرگ اسلامی نیز به معرفی ابوحمزه پرداخته‌اند. همچنین مقالاتی نظیر «مستندات قرآنی و روایی دعای ابوحمزه ثمالی در زمینه مرگ، عالم برزخ و رستاخیز» نوشته فاطمه اسماعیلی؛ «بررسی روابط بینامتنی قرآن کریم و دعای ابوحمزه ثمالی» نوشته کاظم حریف بیلندی و صاحبعلی اکبری و «سبک‌شناسی دعای ابوحمزه ثمالی در دو لایه نحوی و بلاغی» نوشته حجت‌الله فسنقری و راضیه کارآمد، درباره دعای ابوحمزه ثمالی است. کتاب تفسیر ابوحمزه ثمالی که به کوشش حرزالدین عبدالرزاق محمد حسین جمع‌آوری شده و مقاله «نسخ در روایات تفسیری ابوحمزه ثمالی؛ بررسی و نقد» نوشته محمدکاظم رحمان‌ستایش و حسین ارست نیز درباره تفسیر ابوحمزه است. مطالعه نقل‌های رسیده از ابوحمزه ثمالی درباره امام‌شناسی، پژوهش حاضر را از کارهای انجام‌شده متمایز می‌کند.

۱. شخصیت ابوحمزه ثمالی

ثابت‌بن‌دینار ابوحمزه ثمالی، از راویان امامیه در سده اول و دوم هجری، در شهر کوفه می‌زیست. تاریخ ولادت وی مشخص نیست، اما روایت وی از زاذان کندی (م۸۲ق) (ابن‌عساکر، ۱۴۱۵، ج۱۸، ص۲۷۹)، گویای تولد وی در حوالی نیمه قرن اول هجری است. برخی

منابع، سال وفات وی را ۱۵۰ق (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵ و طوسی، ۱۳۷۳، ص۱۱۰) و برخی دیگر، سال ۱۴۸ق ذکر کرده‌اند (صفدی، ۱۴۱۰، ج۱۰، ص۴۶۱). بر اساس برخی گزارش‌ها، نام وی در شمار سه یا پنج نفر (کشی، ۱۴۰۹، ص۱۲۳ و ۱۱۵) اولیه از اصحاب امام سجاد علیه‌السلام وجود ندارد و گویا در سنی نبوده است که بتواند از اوایل امامت آن حضرت با ایشان در ارتباط باشد. بااین‌حال وی دوران امامت امام سجاد علیه‌السلام، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵) و به گفته برخی، دوره امامت موسی‌بن‌جعفر علیه‌السلام را درک کرده است (کشی، ۱۴۰۹، ص۱۲۴ و طوسی، ۱۳۷۳، ص۳۴۵).

جایگاه ابوحمزه ثمالی نزد اهل‌بیت علیهم‌السلام به‌گونه‌ای است که امام صادق علیه‌السلام او را همانند سلمان خوانده است (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵) و از دیدن او احساس آرامش می‌کرد: «إنّی لاستریح إذا رأیتک» (کشی، ۱۴۰۹، ص۳۳). همچنین بر اساس خبری از امام رضا علیه‌السلام، ابوحمزه در زمان خود، مانند سلمان (همان، ص۴۸۵) یا لقمان بود و اینکه او به چهار نفر از امامان، یعنی علی‌بن‌حسین، محمدبن‌علی، جعفربن‌محمد و موسی‌بن‌جعفر علیهم‌السلام خدمت کرده است (همان، ص۲۰۳). این تشبیه می‌تواند به جهت همراهی و خدمت به اهل‌بیت علیهم‌السلام و نیز عقلانیت و یادگیری معارف از آنان باشد. گزارشی از اینکه وی از شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام است و رساندن سلام امام صادق علیه‌السلام بر او (صفار، ۱۴۰۴، ص۲۶۳ و کشی، ۱۴۰۹، ص۲۰۲) نیز در دست است. با اینکه سه نفر از فرزندانش به نام‌های نوح، منصور و حمزه، در قیام زیدبن‌علی علیه‌السلام علیه بنی‌امیه کشته شدند (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵)، اما گرایش وی به زیدیه گزارش نشده و تنها خبری در منابع زیدیه از او درباره علم زیدبن‌علی نقل شده است (محلی، ۱۴۲۳، ج۱، ص۲۵۰-۲۵۱). بنابراین، ازنظر سیاسی نمی‌توان ابوحمزه را از فعالان قیام‌های شیعی دانست؛ بلکه وی بیشتر نماینده بعد معرفتی امامیه در کوفه بود.

دانشمندان امامیه، ابوحمزه را از راویان مورد اعتماد دانسته و او را ستوده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳، ج۴، ص۴۴۴؛ کشی، ۱۴۰۹، ص۴۰۶؛ طوسی، ۱۴۲۰، ص۱۰۵ و حلی، ۱۴۱۱، ص۲۹). عبارت «کان من خیار اصحابنا و ثقاتهم و معتمدیهم فی الروایة و الحدیث» (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵) می‌تواند نشان‌دهنده میزان اعتماد عالمان امامی به وی باشد و اینکه شیخ صدوق برای میراث روایی وی طرق زیادی داشته، نشان‌دهنده اثرگذاری وی در جامعه علمی امامیه است (صدوق، ۱۴۱۳، ج۴، ص۴۴۴).

عالمان اهل‌سنت، ابوحمزه را با تعابیری چون «**لیس بشیء، واهی‌الحدیث، لین‌الحدیث، یکتب حدیثه و لا یحتج به**» (مزی، ۱۴۰۰، ج۴، ص۳۵۹) تضعیف کرده‌اند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۶، ص۳۴۵؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج۱۳، ص۴۴۵ و ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ج۱، ص۳۰۳). برخی حدیث وی را ترک کرده و او را قائل به رجعت و ناقل حدیث نامناسبی درباره عثمان دانسته‌اند (ابن‌حجر، ۱۳۲۶، ج۲، ص۷). این رویکرد می‌تواند به دلیل مواضع شیعی وی باشد. گویا دلیل تضعیف، «غلو در تشیع» و «رافضی بودن» اوست (همان، ص۷-۸)؛ هرچند اندیشه سیاسی ابوحمزه نیز در این راستا بی‌تأثیر نبوده است (راد، ۱۴۰۲، ص۴-۳۲). برخی نیز با نقل روایت وی و صحیح دانستن اسناد آن، ایراد ابوحمزه ثمالی را تنها به‌خاطر غلو در مذهبش دانسته‌اند (حاکم نیشابوری، ۱۴۱۱، ج۲، ص۵۶۵). بااین‌حال گروهی از اهل‌سنت مانند ابن‌سعد (م۲۳۰ق)، ابن‌ماجه (م۲۷۳ق) و ترمذی (م۲۷۹ق) روایت‌هایی از وی نقل کرده‌اند (ابن‌سعد، ۱۴۱۰، ج۵، ص۱۶۹؛ ابن‌ماجه، ۱۴۱۸، ج۱، ص۳۴۷؛ ترمذی، ۱۴۱۹، ج۱، ص۱۳۴ و ج۴، ص۶۲-۶۱؛ و به‌صورت مفصل ر.ک: مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص۴۵۱-۴۵۲).

افزون بر سه امام یادشده، جابربن‌عبدالله انصاری، شهربن‌حوشب و عبدالله‌بن‌حسن، ازجمله اساتید وی هستند. راویانی مانند محمد فرزندش، حسن‌بن‌محبوب، أبان‌بن‌عثمان احمر، عبدالله‌بن‌سنان، علی‌بن‌رئاب، محمدبن‌فضیل، محمدبن‌مسلم، هشام‌بن‌سالم و دیگران، شاگرد وی بودند (خویی، ۱۴۱۰، ج۲۱، ص۱۳۵).

میراث علمی ابوحمزه شامل کتاب حدیثی، کتاب النوادر، کتاب الزهد و تفسیر قرآن بود (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵-۱۱۶ و طوسی، ۱۴۲۰، ص۱۰۵). روایات برجای‌مانده از ابوحمزه در منابع حدیثی می‌تواند از این آثار باشد. برای نمونه، روایات موجود از وی در کتاب الزهد حسین‌بن‌سعید، از راویان امامیه، می‌تواند از کتاب الزهد ابوحمزه باشد (اهوازی کوفی، ۱۴۰۲، ص۸، ۱۹، ۳۲، ۳۷، ۵۴، ۶۰، ۶۴، ۷۴، ۷۶، ۹۳، ۹۴، ۹۸ و ۱۰۵). تفسیر وی بر اساس روایات امامان در قرون نخستین، کتابی شناخته‌شده بود (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶، ص۴۵۱). اشاره ابن‌ندیم به تفسیر او و ستایش او با عبارت «من النجباء الثقات» (ابن‌ندیم، ۱۳۹۸، ص۵۰)، گویای شهرت او و این اثر علمی است. مفسران بعدی، نظیر علی‌بن‌ابراهیم قمی (زنده در سال ۳۰۷ق)، (برای نمونه، ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۲۰۰ و ۳۸۳ و ج۲، ص۲۰۴ و ۲۵۱)، محمدبن‌مسعود عیاشی در تفسیر خود (برای نمونه، ر.ک: عیاشی،

۱۳۸۰، ج۱، ص۱۹، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۶۸ و ۱۷۸ و ج۲، ص۲۰، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۵۲، ۱۶۱، ۲۱۷ و ۲۸۰) و طبرسی (م۵۴۸ق) در مجمع البیان از آن روایت کرده‌اند (به‌عنوان نمونه، ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج۳، ص۱۴۷ و ۱۷۲-۱۷۳ و ج۵، ص۳۳۷). این کتاب ازطریق راویان خاندان مهلب در بصره روایت شد و به مدرسه امامیه بغداد رسید (نجاشی، ۱۴۰۷، ص۱۱۵-۱۱۶). روایات وی در تفسیری منسوب به ابوحمزه، هم‌اکنون با تحقیق عبدالرزاق محمد حسین حرزالدین و محمدهادی معرفت به چاپ رسیده است.

رساله حقوق به نقل از امام سجاد علیه‌السلام، میراث روایی دیگر ابوحمزه است که ازطریق راویان مدرسه کوفه به قم راه یافت (همان، ص۱۱۵) و ازطریق راویان مدرسه امامیه ری در اختیار صدوق قرار گرفت (صدوق، ۱۴۱۳، ج۲، ص۶۱۸ و ج۴، ص۵۱۲ و همان، ۱۳۶۲، ج۲، ص۵۶۴). این رساله که شرح‌های متعددی بر آن نوشته شده، بیانگر حدود پنجاه مورد از حقوق، مانند حق خدا، حق پیشوایان، حق خویشاوندان نسبی، حق همسر، اعضای بدن و عباداتی مانند نماز و روزه است. دعای ابوحمزه ثمالی با عنوان دعای سحر در ماه مبارک رمضان از امام سجاد علیه‌السلام نیز نقل شده است. این دعا از طولانی‌ترین دعاها در فرهنگ شیعه بوده و همچون منبعی الهام‌بخش برای الگوی رفتار زاهدانه، استفاده‌های کلامی، استشهادهای فقهی ـ اصولی و حتی به مثابه دستمایه‌ای برای روشنفکران دینی، نقش خود را در جامعه شیعی حفظ کرده است (خانی، ۱۴۰۰).

۲. روایات ابوحمزه ثمالی درباره امامت

پس از رحلت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، مسئله امامت به یکی از بنیادی‌ترین مباحث اعتقادی و سیاسی در جامعه اسلامی تبدیل شد. ابوحمزه ثمالی، در منابع روایی امامیه، راوی احادیث فراوانی در زمینه‌های گوناگون از جمله تفسیر، فقه، کلام، تاریخ و اخلاق است. بخش قابل‌توجهی از این روایات به موضوع امام‌شناسی و مسائل مرتبط با آن اختصاص دارد و از این جهت بازتاب‌دهنده تحولات فکری و اعتقادی شیعه در نیمه نخست قرن دوم هجری است. بررسی تاریخی روایات ابوحمزه نشان می‌دهد که احادیث وی عمدتاً در سه محور اصلی متمرکز است:

الف) لزوم وجود و معرفت امام: در روایات ابوحمزه تأکید ویژه‌ای بر ضرورت وجود و شناخت امام در هر زمان به‌عنوان حجت الهی دیده می‌شود. این روایات، در فضای فکری

و سیاسی نیمه اول قرن دوم هجری، در جهت تمایز اندیشه امامیه از جریان‌های رقیب درون‌شیعی، همچون کیسانیه و زیدیه، نقش مهمی ایفا می‌کردند. محتوای روایات ابوحمزه درواقع پاسخی به فضای التقاطی و پراکنده کوفه، و درصدد حفظ هویت خالص امامی و تأکید بر نقش امام به‌عنوان شرط بقای زمین، استمرار دین الهی و هدایت بشر بودند.

ب) تبیین جایگاه الهی امام: در روایات ابوحمزه، امام به‌عنوان «حجت الله» و منصوب از جانب خداوند معرفی می‌شود. چنین تعابیری در ادبیات حدیثی امامیه، ناظر بر تأکید مشروعیت الهی امامت در برابر مشروعیت سیاسی خلافت‌های زمان است. ابوحمزه با نقل این گونه احادیث، بر این باور تأکید دارد که امامت نه امری انتخابی یا شورایی و یا انقلابی، بلکه منصبی الهی و استمرار رسالت رسول خدا ﷺ است. تأکید بر شناخت امام و باور به نصب الهی او، درواقع واکنشی تاریخی و کلامی به دیدگاه‌های سیاسی اهل‌سنت و گروه‌های انقلابی و شورشی آن دوران بود.

ج) تداوم سلسله امامت: محور سوم روایات ابوحمزه، به استمرار علم، قدرت و وصایت امامان می‌پردازد. انتقال علم و وصایت از هر امام به امام بعدی پس از او تصریح شده است و این مسئله، بر پیوستگی سلسله امامت در نسل امام حسین ؑ تأکید دارد. این اندیشه، در تقابل با دیدگاه‌های کیسانیه و زیدیه شکل گرفت که هریک تفسیری متفاوت از وراثت و استمرار امامت ارائه می‌دادند. تمرکز ابوحمزه بر انتقال علم و مشروعیت امامت در نسل حسینی، یکی از عوامل مهم در تثبیت اندیشه امامیه در برابر انشعابات فکری سده دوم هجری به شمار می‌رود.

۱-۲. ضرورت وجود امام

آموزه امامت در باور امامیه، یکی از مهم‌ترین ارکان اسلام است تا جایی که در این نگاه، زمین لحظه‌ای از حجت خدا خالی نیست. امام به‌عنوان فردی منصوب از طرف خداست که همیشه در زمین بوده است. دغدغه ذهنی ابوحمزه در این زمینه او را بر آن داشت تا از امام صادق ؑ درباره زمین بدون امام پرسش کند که آن حضرت فرمود: زمین بدون امام نابود می‌شود (صفار، ۱۴۰۴، ص۴۸۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۱۷۹ و ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ص۳۰). درواقع بر اساس

نقل‌های ابوحمزه، وجود امام به‌عنوان حجت الهی بر روی زمین ضروری بوده است. بر اساس روایت امام باقر علیه‌السلام، زمین از روز اول خلقت تا قیامت، بر مبنای حجت الهی، از پیشوای عادل در زمین خالی نیست (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ص۲۵). وجود این امام، برای هدایت به‌سوی خدا و حجت الهی بر بندگان اوست و زمین هیچ‌گاه بدون وجود امام باقی نخواهد ماند (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۹۲؛ صفار، ۱۴۰۴، ص۴۸۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۱۶۹ و ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ص۲۹). این موضوع نشان می‌دهد بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، نقش هدایتگری مردم، بر عهده امامان گذاشته شده است تا اسباب هدایت آنان را فراهم کنند. در روایات ابوحمزه، امام معیار شناخت حق از باطل معرفی شده، و وجود او نیز همیشگی است (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۲۳۴). ضرورت وجود امام، از بنیادی‌ترین آموزه‌های امامیه به شمار می‌رود؛ آموزه‌ای که در قرن دوم هجری، به‌ویژه در محیط فکری کوفه، از سوی راویان برجسته امامیه، همچون ابوحمزه به‌صورت نظامند در قالب روایات بیان شد. این مجموعه روایی، بازتاب‌دهنده اندیشه بنیادین امامیه درباره ضرورت وجود امام در هر عصر و زمان است. در این روایات، امام نه صرفاً به‌عنوان رهبر سیاسی، بلکه به مثابه محور معرفت، هدایت و فیض الهی در عالم معرفی می‌شود. در روایات آنان، امام، استمرار نظام نبوت و وجود آن، ضرورتی عقلی و شرعی برای هدایت بشر و استمرار دین الهی بود. همچنین بر اساس روایات منقول از ابوحمزه و دیگر محدثان امامیه، زمین هیچ‌گاه از حجت الهی خالی نمی‌ماند؛ زیرا وجود امام، ضامن بقای عالم و حفظ شریعت الهی است. در این منظومه فکری، حجت الهی بودن امام، به این معنا است که او تنها مرجع مشروع برای هدایت دینی و سیاسی امت به شمار می‌آید، نه خلیفه‌ای که به انتخاب مردم یا بر پایه قدرت سیاسی برگزیده شود؛ بلکه منصبی الهی است که استمرار رسالت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را در عرصه هدایت و ولایت بر عهده دارد.

۲-۲. تعداد امامان

ابوحمزه چندین روایت در تعیین تعداد امامان نقل کرده است که بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله دوازده نفرند. در روایت وی از امام سجاد علیه‌السلام بر این تعداد اشاره شده که اولین آنان علی علیه‌السلام و آخرین آنان قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است (صدوق، ۱۳۷۸، ج۱، ص۶۵ و همان، ۱۳۷۶، ص۱۱۱). در روایت ابوحمزه از

امام باقر علیه‌السلام نیز از این تعداد با عنوان دوازده وصی (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۵۳۲؛ ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ص۱۳۴ و مفید، ۱۴۱۳الف، ج۲، ص۳۴۵) و به روایت از امام صادق علیه‌السلام دوازده مهدی یاد شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج۲، ص۳۳۹). در روایات وی، به نام تمام امامان دوازده‌گانه تصریح نشده است، اما در روایتی از وی، امام سجاد علیه‌السلام ضمن اعلام تعداد امامان به دوازده نفر، خودش را نفر چهارم از آنان دانست که هشت نفر از نسلش ائمه ابرار هستند (خزاز، ۱۴۰۱، ص۲۳۶-۲۳۷ و صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۳۱۹). در روایت دیگر ابوحمزه، امام سجاد علیه‌السلام در پاسخ پرسش ابوخالد کابلی درباره امامان واجب‌الطاعه، نام امامان را تا امام صادق علیه‌السلام ذکر کرد و به‌صراحت، دوازدهمین امام، قائم علیه‌السلام معرفی شد (صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۳۱۹-۳۲۰). در روایت دیگری از وی، امام باقر علیه‌السلام نیز ضمن حتمی دانستن قیام قائم علیه‌السلام، او را هفتمین امام بعد از خود دانست (نعمانی، ۱۳۹۷، ص۸۶). در روایت‌های ابوحمزه، به وجود امامت در فرزندان فاطمه علیهاالسلام (فرات کوفی، ۱۴۱۰، ص۳۲۹) و استمرار آن در نسل امام حسین علیه‌السلام و نیز با اعلام امامت حسنین علیهماالسلام و نه امام بعدی از نسل امام حسین علیه‌السلام و پیوند نهمین امام با قائم اهل‌بیت علیهم‌السلام تصریح شده است (صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۲۶۹). همچنین در روایتی دیگر، امامت و استمرار آن در نسل امام حسین علیه‌السلام از سوی امام باقر علیه‌السلام تبیین شده است (همان، ص۳۲۸). این دسته از روایات، در تداوم احادیث موسوم به «روایات اثنا عشر» یا «دوازده جانشین برای رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله» قرار می‌گیرند؛ احادیثی که نقل مشترک منابع شیعه و اهل‌سنت بوده‌اند و بر محدود بودن امامان به دوازده نفر تصریح دارند. در فضای فکری کوفه در قرن دوم هجری، شمار امامان نزد راویان برجسته‌ای چون ابوحمزه روشن بوده است.

درعین‌حال، بررسی تاریخی شرایط سیاسی و اجتماعی آن دوره نشان می‌دهد که تقیه و فضای خفقان حاکم بر جامعه، منع از بیان آشکار نام همه امامان، در برخی روایات دیده می‌شود. به همین سبب، در روایات ابوحمزه، نام امامان تا امام صادق علیه‌السلام به‌صراحت ذکر شده است. این امر نشانگر وضعیتی دشوار، حتی بر راویان خاص و نزدیک به امامان، در دوره حاکمیت امویان و اوایل عباسیان است.

از سوی دیگر، تأکید بر استمرار امامت در نسل فاطمه علیهاالسلام و در فرزندان امام حسین علیه‌السلام، بیانگر جهت‌گیری مکتب امامیه در برابر دیدگاه‌های جریان‌های درون‌شیعی، از کیسانیه و زیدیه

است. کیسانیان امامت را به محمدبن حنفیه اختصاص دادند (اشعری، ۱۴۰۰، ص۱۸ و مسعودی، ۱۴۰۹، ج۳، ص۷۷)؛ درحالی‌که زیدیان با محوریت زیدبن‌علی و سپس با پیروی از قیام‌های حسنیان، مانند محمدبن‌عبدالله (نفس زکیه)، مفهوم امامت را به قیام مسلحانه پیوند زدند (شهرستانی، ۱۳۶۴، ج۱، ص۱۷۹-۱۸۰؛ و ر.ک: ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج۱، ص۲۵۰) و شمار امامان را محدود نکردند.

بنابراین، روایات منقول از ابوحمزه در زمینه تعداد امامان و تداوم امامت در نسل حسینی، نه‌تنها جنبه اعتقادی، بلکه کارکردی هویت‌ساز و ایجادکننده مرزبندی در تاریخ تشیع داشته است؛ به‌گونه‌ای که مرز میان امامیه اثنی‌عشری با جریان‌های فکری دیگر را در قرن دوم هجری به‌روشنی مشخص می‌سازد.

۳-۲. مقام ولایت

در تفکرات امام‌شناسی ابوحمزه، مقام امامت با ولایت گره خورده است. اندیشه امام‌شناسی ابوحمزه در نقل‌هایش، با ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام شروع می‌شود و تا امامت حضرت حجت عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پیوند دارد. نام ابوحمزه در سند روایات معروف «بنی الاسلام؛ پایه‌های اسلام یا ارکان اسلام» قرار دارد. بر اساس روایت وی از امام باقر علیه‌السلام، پایه‌های اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. در این میان، ولایت در رکن اول قرار گرفته و جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۲۸۶؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۸ و صدوق، ۱۳۶۲، ج۱، ص۲۷۸). روایات «بنی الاسلام» تنها از سوی ابوحمزه نقل نشده است؛ بلکه در روایت راویان دیگر امامیه، مانند زرارة‌بن‌اعین، آن حضرت، ولایت را برتر از چهار مورد دیگر دانست که کلید و راهنمای فهم آنها به شمار می‌رود (کلینی، ۱۴۰۷، ج۲، ص۱۸). همچنین بر اساس نقل فضیل از این روایت آمده است: آن‌گونه که به ولایت در روز غدیر ندا داده شده، به چیزی ندا داده نشده است (همان، ص۲۱). در برخی نقل‌های ابوحمزه از این روایت از امام باقر علیه‌السلام، عبارت «ولایت ما اهل‌بیت» (مفید، ۱۴۱۳ب، ص۳۵۳) و وجوب پذیرش آن وجود دارد (صدوق، ۱۳۶۲، ج۱، ص۲۷۸). بر اساس نقل روایت پایه‌های اسلام به روایت مفضل‌بن‌عمر از امام صادق علیه‌السلام، مورد پنجم آن، ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و امامان از نسل آن حضرت ذکر شده است (همان، ۱۳۷۶، ص۲۶۸). بر اساس روایت ابوحمزه به نقل از امام سجاد علیه‌السلام، ولایت امیرالمومنین علیه‌السلام از سوی خدا بوده و در امامان

بعدی به‌عنوان حجت الهی جاری است (همان، ص۱۳۱). در روایتی از ابوحمزه، شأن نزول آیه ﴿إِنَّما وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذينَ آمَنُوا الَّذينَ يُقيمُونَ الصَّلاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكاةَ وَهُمْ راكِعُونَ﴾ (مائده:۵۵)، ولایت امام علی علیه‌السلام بود (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۳۲۸) و روایت‌هایی نیز از وی در تفسیر برخی آیات در پیوند با ولایت آن حضرت آمده است (ر.ک: قمی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۲۰۰ و ۳۸۳ و ج۲، ص۲۰۴، ۲۵۱، ۲۸۰، ۲۸۶، ۳۰۲ و ۳۲۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۴۲۰، ۴۲۲، ۴۲۴ و ۴۲۹ و عیاشی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۱۲۴).

در باور ابوحمزه بر اساس روایاتش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به دستور الهی در حیات خود، بر ولایت علی علیه‌السلام شاهد گرفت و قبل از رحلت خود، آن حضرت را امیرالمؤمنین نام‌گذاری کرد (مفید، ۱۴۱۳ب، ص۱۸). پیوند ایمان به ولایت علی علیه‌السلام و پذیرش آن (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۴۳۷) در روایات ابوحمزه تا جایی مورد توجه بود که طبق روایت وی از امام باقر علیه‌السلام در ذیل آیه‌ای، تنها انسان‌های باتقوا بر ولایت علی علیه‌السلام ثابت می‌مانند (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۰۰). بر اساس روایت او از امام باقر علیه‌السلام، ولایت آنان، ولایت خدا دانسته شده است (صفار، ۱۴۰۴، ص۷۵) و جایگاه ولایت اهل‌بیت علیهم‌السلام در پیوند با پذیرش اعمال از امام سجاد علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام دیده می‌شود (عده‌ای از علماء، ۱۳۶۳، ص۲۲ و ۱۱۸).

این روایات درصدد آنند که مفهوم امامت را از سطح یک مسئله صرفاً سیاسی فراتر ببرند و با تعمیق مفهوم ولایت، نوعی مقاومت فکری در برابر نظام حاکم اموی و جریان‌های رقیب درون جامعه اسلامی آن عصر ایجاد کنند. در این دستگاه معرفتی، امام نه صرفاً به‌عنوان یک حاکم سیاسی، بلکه به‌عنوان صاحب ولایت الهی در هدایت، تدبیر و سامان‌دهی جامعه معرفی می‌شود؛ ولایتی که ریشه در اراده و نصب الهی دارد، نه در بیعت مردمی یا قیام سیاسی که گروه‌های مخالف امامیه مانند زیدیه و برخی جریان‌های انقلابی در کوفه بر آن تأکید می‌کردند.

در این چهارچوب، امام مظهر اراده الهی و استمرار رسالت نبوی است؛ ازاین‌رو مشروعیت او برخاسته از منشأ الهی ولایت است، نه از رضایت یا خواست گروه‌های مردمی. تأکید روایات ابوحمزه بر این معنا، تلاشی برای تثبیت مبانی نظری امامت در برابر قرائت‌های سیاسی و انقلابی معاصران، و بیانگر شکل‌گیری گفتمان مستقل امامی درباره ولایت الهی و هدایت بشر در نیمه نخست قرن دوم هجری است.

۲-۴. وجوب معرفت و اطاعت امام

امامت، جانشینی رسول خدا ﷺ و منتخب از سوی خدا برای هدایت مردم است و به‌وسیله آن حضرت به مردم معرفی شده است. این انتصاب الهی، امام را دارای مقام مفترض‌الطاعه و پیروی از او را واجب کرده است. با واکاوی روایت‌های نقل‌شده از ابوحمزه، مفاهیمی مانند مفترض‌الطاعه بودن امام، گمراه شدن با ترک امام، نقش امام در هدایت جامعه (برقی، ۱۳۷۱، ج۱، ص۹۲ و صدوق، ۱۴۰۶، ص۲۰۵)، ضرورت معرفت امام (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۱۸۴) و شرط بودن امام‌شناسی در راه شناخت خداوند (همان، ص۱۸۰) وجود دارد. در نگاه ابوحمزه، معرفت امام شرط ایمان و نجات دانسته شده، و معیار حقانیت دینی است و بی معرفتی نسبت به او، معادل جهل و ضلالت است.

۲-۵. خلقت نوری

بر اساس روایات امامیه، خداوند معصومان را از نور خودش خلق کرد و آنان در اطراف عرش به حمد و تسبیح خدا مشغول بودند. هنگامی که آدم آفریده شد، نور آنان در صلب وی قرار گرفت و در زمان معین در عالم دنیا قدم گذاشتند (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: توران، ۱۳۹۴ب، ص۷-۲۶ و همان، ۱۳۹۴الف، ص۶۷-۱۰۰). ابوحمزه نیز در شمار راویان چنین اندیشه‌ای بوده است. وی از امام سجاد ؑ شنید که خداوند رسول خدا ﷺ و امامان اثنی‌عشر ؑ را از نور عظمت خود آفرید و آنان را به‌صورت اشباح در پرتو نور خود به پا داشت که او را عبادت می‌کردند و قبل از آفرینش خلق، خدا را تسبیح و تقدیس می‌نمودند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۳، ص۱۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۵۳۰-۵۳۱ و صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۳۱۸-۳۱۹).

۲-۶. علم امام

در باور امامیه، یکی از ویژگی‌ها و شرایط امام، علم امام است. این موضوع، یکی از موضوعات کلامی بین اندیشمندان امامیه است. علم ویژه و الهی امام، ازجمله باورهای اساسی شیعه در مسئله امامت به شمار می‌رود. قلمرو علوم امام، از مباحث مهمی است که به سبب پیچیدگی مباحث آن، مورد تفسیرهای گوناگون قرار دارد. بر اساس روایات وارده، دو

دیدگاه تام و محدود بودن علوم ائمه علیهم‌السلام وجود دارد (برای اطلاع بیشتر، ر.ک: هاشمی، ۱۳۹۳، ص۵۰-۶۸).

در روایت‌های ابوحمزه در عرصه امام‌شناسی، علم امام نیز مورد توجه بود. در نقل‌های رسیده از وی آمده است که دین و اندیشه را نباید از غیر ائمه هدی گرفت (صفار، ۱۴۰۴، ص۱۳) و فهم و علم امامان به‌عنوان عترت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از سوی خدا بوده است (همان، ص۴۹). بر اساس روایتی از او، امامان خزانه علم الهی و انتخابشان نیز الهی بوده و اسامی آنان به رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ازطریق جبرئیل آمده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۱۹۳) و کلیدهای علم و ابواب حکمت نزد آنان است (صفار، ۱۴۰۴، ص۳۶۴). بر اساس این روایات که راویان امامیه مانند ابوحمزه در کوفه انتشار می‌دادند، علم امام نخست بر اساس تعلیم الهی بوده که به‌عنوان حجت خدا به او اعطا شده و غیراکتسابی است.

دوم، وراثت علمی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله که بر اساس آن، معارف الهی ازجمله کتاب، سنت و حقایق دین به‌صورت موروثی و اختصاصی، از طریق آن حضرت به علی علیه‌السلام رسید و سپس به امامان بعدی انتقال یافت. بر اساس روایت ابوحمزه از امام سجاد علیه‌السلام، هرآنچه نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله است، به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سپس به ائمه علیهم‌السلام تا قیامت داده شده است و هرآنچه در هر سال و هر ماه اتفاق افتد به آن اضافه شود (صفار، ۱۴۰۴، ص۳۹۵). بر اساس روایتی از امام باقر علیه‌السلام، امامان از آثاری روایت می‌کنند که از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان رسیده است (همان، ص۳۰۰). همچنین رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله هزار باب علم به علی علیه‌السلام یاد داد که از هر باب، هزار باب باز می‌شد (همان، ص۳۰۳ و ۳۰۹). هرگز زمین از مردی از اهل‌بیت خالی نیست که به حق آگاه است و زمانی که مردم در آن چیزی اضافه کرد گوید افزودید و اگر کم کردند نیز تذکر دهد و اگر چنین نبود حق از باطل شناخته نمی‌شد (همان، ص۳۳۱-۳۳۲). بر اساس روایت ابوحمزه از امام باقر علیه‌السلام، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در آخر حیات خود، به دستور الهی، علم خود، آثار و اسم اکبر، میراث علم و آثار نبوت را در اهل‌بیت خود، نزد علی‌بن‌ابی‌طالب قرار داد و علم نبوت از ذریه وی قطع نشد (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۶۸ و کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۲۹۳). بر اساس روایتی دیگر امام باقر علیه‌السلام در تفسیر آیه ﴿وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾ آن را نزد علی‌بن‌ابی‌طالب علیه‌السلام دانست (صفار، ۱۴۰۴، ص۲۱۶). در روایت‌های ابوحمزه، به برخی منابع علم امام نیز اشاره شده است. براین‌اساس، الواح موسی علیه‌السلام نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

بود و سپس در اختیار امامان علیهم‌السلام قرار گرفت. همچنین جفر، که علم اولین و آخرین در آن است، پیش امامان است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۲، ص۲۸). ابوحمزه از امام صادق علیه‌السلام شنید که ألواح و عصای موسی علیه‌السلام نزد آنان بوده است و آنها وارث پیامبران هستند (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۲۳۱). به گفته امام صادق علیه‌السلام، مصحف فاطمه علیهاالسلام نیز پیش آنان بوده است و در آن، چیزهایی غیر از قرآن بود که به آن حضرت بعد از مرگ رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله القا شد (صفار، ۱۴۰۴، ص۱۵۹).

سوم، الهام و تحدیث که در منابع امامی به‌عنوان راهی برای دریافت آگاهی‌های غیبی و حقایق فراتر از دانش متعارف تعریف شده است. بر اساس برخی روایات، از نقش نزول روح در علم و فهم معصومان سخن به میان آمده است (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۲۷۳-۲۷۴). در نقلی از ابوحمزه، وجوب اطاعت با علم امام پیوند خورده است که پوشیده شدن علم آسمان و زمین از امام درست نیست (همان، ص۲۶۲). همچنین وجود حجت‌های الهی یکی پس از دیگری بر مردم لازم است برای اینکه به دین الهی هدایت شوند و علم الهی را به آنان یاد دهند (همان، ص۳۳۹). ازاین‌رو حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان علیهم‌السلام، عالم‌ترین مردم به خدا دانسته شدند (صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۳۲۸). در کنار شیعیان که برای تفقه در دین به امام نیاز دارند، ابوحمزه از حضور گروهی از شیعیان اجنه در منزل امام باقر علیه‌السلام برای پرسش از معالم دینی خود خبر داد (صفار، ۱۴۰۴، ص۹۶). بنابراین، امامان به‌عنوان برترین عالمان دانسته می‌شدند که اطاعت از آنان واجب بود.

۷-۲. نص امامت

مطالعه روایات ابوحمزه در موضوع امام‌شناسی گویای تعیین امام از سوی خدا است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۷۸). همچنین معرفت خدا به تصدیق خدا و رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در ولایت و پیروی از علی علیه‌السلام و ائمه هدی علیهم‌السلام پس از آن حضرت و برائت از دشمنان آنان است. بر اساس این روایت، دوست داشتن امامان، ازجمله خود امام باقر علیه‌السلام و فرزندش، جعفر، نشانه‌های کامل بودن حقیقت ایمان است. این روایت به‌نوعی نص بر امامت امام صادق علیه‌السلام نیز بود (همان، ج۲، ص۱۱۶ و با کمی تغییر: کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۱۸۰).

بر اساس روایات منقول از ابوحمزه، امامان پس از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، نه ازطریق انتخاب مردم یا تصمیم شورا، بلکه با نص و تعیین الهی به امامت منصوب شده‌اند. این اصل، مبنای

مشروعیت دینی امامان و تفاوت بنیادین امامیه در این دوره، از سایر جریان‌های شیعی و غیرشیعی به شمار می‌رود. به‌ویژه پس از شهادت امام حسین علیه‌السلام، درحالی‌که گروهی از شیعیان، به گرایش‌های کیسانیه و زیدیه گرایش و تمایل یافتند، امامیه در کوفه بر الهی بودن منشأ امامت و نص صریح بر جانشینی امامان تأکید داشتند.

از منظر تاریخی، مجموعه روایات نقل‌شده از ابوحمزه، دربردارنده نوعی نقد و رد نظریه‌های سیاسی درباره منشأ امامت است. نظریه‌هایی که مشروعیت امام را مبتنی بر «بیعت اهل حل و عقد»، «انتخابی یا تعیین با شورا»، «بیعت عمومی» یا «غلبه با شمشیر» می‌دانستند (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج۵، ص۲۳۳).

بر اساس روایت‌های نقل‌شده ابوحمزه ثمالی، خلافت، وصایت، حجت الهی، امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و الهی بودن این انتخاب به‌وضوح دیده می‌شود (صدوق، ۱۳۷۶، ص۳۸، ۶۳۱-۶۳۲ و ۵۴۷). ارزشمندی این انتخاب تا جایی بود که انکار امامت علی علیه‌السلام، انکار نبوت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، و انکار نبوت آن حضرت، مانند انکار ربوبیت خدا دانسته شد (صدوق، ۱۳۷۶، ص۶۵۶). به‌این‌ترتیب بر اساس این روایات، امام به‌عنوان استمرار نبوت است. درحالی‌که حکومت‌های وقت، مشروعیت خود را از بیعت و زور می‌گرفتند، امامیه با تأکید بر نص، رهبری دینی را به امر الهی پیوند می‌دادند. روایت دیگری از وی از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله حاکی از معرفی علی علیه‌السلام به‌عنوان امام امت و خلیفه آن حضرت بر امتش است و قائم علیه‌السلام نیز از فرزندان اوست (همان، ۱۳۹۵، ج۱، ص۲۸۷-۲۸۸). بر اساس روایت وی از امام صادق علیه‌السلام، وقتی بُریده[1] بعد از مراجعت از شام، بیعت مردم با خلیفه اول را دید، به ابوبکر خاطرنشان کرد که آیا سلام به علی علیه‌السلام به‌عنوان امیرمؤمنان را که از سوی خدا و رسولش واجب بود فراموش کرده است؟ (علم‌الهدی، ۱۴۱۰، ج۳، ص۲۲۴-۲۲۵). ابوحمزه روایتی نیز از امام باقر علیه‌السلام در علت نام‌گذاری امام علی علیه‌السلام به امیرالمؤمنین و درنهایت، پیوند این پرسش و پاسخ به امامان از فرزندان امام حسین علیه‌السلام و قائم از آنان دارد (صدوق، ۱۳۸۵، ج۱، ص۱۶۰). بر اساس روایتی از ابوحمزه، رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله آن حضرت را امیرالمؤمنین علیه‌السلام، بهترین اوصیاء، مقدم‌ترین مسلمان، عالم‌ترین مردم، و تبیین‌کننده بعد از خود دانست (مفید، ۱۴۱۳الف، ج۱، ص۴۶). علم امام علی علیه‌السلام با عناوینی چون، عالم‌ترین به شأن نزول آیات الهی (طوسی، ۱۴۱۴،

۱. بنا بر گزارشی، وی بُرَیْدَةُ بْنِ حَصِیب اسلمی است که چنین باوری داشته است (مفید، ۱۴۱۳الف، ج۱، ص۴۸).

ص۱۷۰)، آگاه به آنچه که تا قیامت اتفاق خواهد افتاد (صفار، ۱۴۰۴، ص۱۳۲) و رسول خدا ﷺ شهر حکمت و علی علیه‌السلام درِ آن (صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۲۴۱ و همان، ۱۳۷۶، ص۲۶۹) در روایات ابوحمزه به چشم می‌خورد تا جایی که بر اساس روایت وی از امام باقر علیه‌السلام، جمع قرآن نیز از سوی وصی محمد ﷺ انجام شد (قمی، ۱۴۰۴، ج۲، ص۴۵۱).

بنابراین، امام نه‌تنها به‌واسطه نص الهی منصوب می‌شود؛ بلکه وارث علم، حکمت و معارف پیامبران، به‌ویژه رسول خدا ﷺ نیز به شمار می‌آید. در این دستگاه فکری، نص مفهومی صرفاً سیاسی یا ناظر به مشروعیت قدرت نیست؛ بلکه ریشه در الهیات معرفتی و کلامی دارد.

روایات ابوحمزه به‌روشنی این حقیقت را بازتاب می‌دهند که نص امام در فضای فکری کوفه، نه‌تنها ابزار اثبات مشروعیت الهی امامان بود، بلکه نقشی تعیین‌کننده در تداوم هویت اعتقادی و معرفتی امامیه ایفا می‌کرد. بر اساس این روایات، امامان وارثان علم نبوی و حاملان اسرار شریعت‌اند و به همین سبب، پیروی از آنان به‌منزله پیوند امت با هدایت الهی تلقی می‌شود.

به بیان دیگر، نص امام در روایات ابوحمزه و راویان امامیه، مفهومی دو بعدی دارد: از یک‌سو مشروعیت سیاسی و الهی امام را تثبیت می‌کند و از سوی دیگر، پیوستگی معرفتی و قدسی میان نبوت و امامت را نشان می‌دهد. این نگرش، بنیاد اندیشه امامیه در تمایز از جریان‌های زیدی و کیسانی است که امامت را بر اساس قیام یا بیعت مردم می‌دانستند و از ساحت معرفتی و الهی آن غلفت می‌وزیدند.

۸-۲. انجام امور خارق‌العاده

گفتمان قائل به امامت، امام علی علیه‌السلام را جانشین رسول خدا ﷺ می‌دانست که به فرمان خدا به این مقام منصوب شده است. براین‌اساس، قدرت امام، الهی و دارای توانایی‌های خارق‌العاده بود. در روایت‌های مربوط به امام‌شناسی ابوحمزه، ویژگی‌های خاص برای امام نیز دیده می‌شود. برای نمونه، بر اساس روایتی، امام در شکم مادر سخن را می‌شنود و زمانی که به دنیا آمده است فرشته‌ای آیه ۱۱۵ سوره انعام ﴿وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقاً وَعَدْلاً لا مُبَدِّلَ لِكَلِماتِهِ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيم﴾ را بر بازوی او می‌نویسد. همچنین در جوانی، عمود نوری برای او بالا می‌رود و دنیا و آنچه را در آن است می‌بیند و هیچ چیز بر او پوشیده نمی‌ماند (صفار، ۱۴۰۴، ص۴۳۵). آنچه

بر پیامبران و رسولان، نظیر آگاهی امام بر ضمیر افراد (همان، ص۲۴۲)، زنده کردن مردگان، شفا دادن برخی بیماری‌ها و راه رفتن بر آب عطا شده، به امامان نیز داده است (همان، ص۲۶۹-۲۷۰). بر اساس روایتی، آنان زبان پرندگان را نیز می‌دانند (همان، ص۳۴۱-۳۴۳).

انتشار این دسته از روایات از سوی راویان برجسته‌ای همچون ابوحمزه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین یکی از ویژگی‌های امام در منظومه فکری امامیه، یعنی توانایی انجام امور خارق‌العاده و فرابشری ایفا کرده است. در این روایات، امام شخصیتی الهی معرفی می‌شود که از علم و قدرت ویژه‌ای برخوردار است و توانایی او در انجام کرامات و تصرف در عالم، نشانه‌ای از پیوند مستقیم وی با منبع فیض الهی است.

بیان کرامات امام در این احادیث، صرفاً به معنای توصیف معجزات شخصی نیست؛ بلکه نوعی گفتمان تقدیس و تبیین جایگاه قدسی امام به شمار می‌رود؛ گفتمانی که امام را فراتر از رهبران سیاسی یا اجتماعی معرفی می‌کند و او را در جایگاه حجت الهی قرار می‌دهد.

از سوی دیگر، این روایات، کارکردی کلامی و هویتی نیز دارند؛ زیرا در فضایی که جریان‌های غالی، امامان را هم‌ذات یا تجلی مستقیم ذات الهی می‌دانستند، احادیث ابوحمزه با تأکید بر اینکه قدرت خارق‌العاده امام، از اتصال او به فیض الهی ناشی می‌شود نه از ذات مستقل او، مرز روشنی میان امامیه و غلات ترسیم می‌کنند. بدین‌سان، توانایی‌های خارق‌العاده امام، نه از سر قدرت شخصی، بلکه نشانه مأموریت الهی و استمرار سنت نبوی در وجود امام است؛ امری که جایگاه او را به‌عنوان حجت الهی و محور هدایت در عالم تثبیت می‌کند.

۹-۲. ورود ملائکه به منزل امامان

در روایات ابوحمزه، به ورود فرشتگان بر منزل امامان، ازجمله منزل امام سجاد علیه‌السلام (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۳۹۴) و بر اساس روایتی، به شنیدن صدای آنان نیز اشاره شده است (صفار، ۱۴۰۴، ص۹۲). چنین روایاتی، همخوان با دیگر روایت‌های راویان امامیه در این زمینه است که در در منابع حدیثی دیده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۳۹۳ و صفار، ۱۴۰۴، ص۹۰).

۱۰-۲. مهدویت

مهدویت، به‌عنوان باور به ظهور منجی از خاندان رسول خدا ﷺ برای برپایی عدالت جهانی، مورد پذیرش فریقین بوده است و یکی از آموزه‌های بنیادین اندیشه امامیه به شمار می‌رود. در قرون نخستین هجری، به‌ویژه در کوفه، راویان امامی همچون ابوحمزه ثمالی، نقشی مؤثر در نقل و تبیین روایات مرتبط با مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف ایفا کردند. هم‌زمان با بحران سیاسی و اجتماعی پس از واقعه عاشورا و در دوران حکومت‌های اموی و عباسی، باور به مهدی بودن برخی شخصیت‌ها مانند محمدبن‌حنفیه در میان کیسانیه (طبری، ۱۳۸۷، ج۶، ص ۱۶ و ۶۲؛ بلاذری، ۱۳۳۸، ج۲، ص۲۰۱-۲۰۲ و نوبختی، ۱۴۰۴، ص۲۷) و نفس زکیه در شاخه حسنیان (ابوالفرج اصفهانی، بی‌تا، ص۲۰۷ و ابن‌طقطقی ۱۴۱۸، ص۱۶۳) پدید آمد و گسترش یافت.

در قرن دوم هجری، کوفه کانون اصلی فعالیت راویان امامی و محل شکل‌گیری مجموعه‌ای از احادیث درباره مهدی بود. در چنین بستری، امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام با ارائه روایات متعدد برای شاگردانی مانند ابوحمزه، ابعاد اعتقادی این مسئله را تبیین کردند و مهدویت را از سطح قیام‌های سیاسی و برداشت‌های نادرست فرقه‌ای، به سطح انتظار معرفتی و ایمانی ارتقا دادند؛ رویکردی که هویت امامیه را از کیسانیه و زیدیه به‌روشنی متمایز ساخت. بازتاب این تمایز، در روایات راویان کوفی مانند ابوحمزه کاملاً مشهود است. چنان‌که ابوحمزه ثمالی از امام صادق علیه‌السلام درباره قائم علیه‌السلام بودن آن حضرت سؤال کرد و آن حضرت، قائم را کسی دانست که زمین را پر از عدل کند، همان طور که پر از ظلم و جور شده است و در دوران فترت امامان خواهد بود، همان طور که رسول خدا ﷺ در دوران فترت رسولان مبعوث شد (کلینی، ۱۴۰۷، ج۱، ص۳۴۱ و نعمانی، ۱۳۹۷، ص۱۸۶). راویان امامی همچون ابوحمزه با رد دیدگاه‌های جریان‌های درون‌گروهی مانند کیسانیه و زیدیه در باور به مهدویت، مهدی را از نسل امام حسین علیه‌السلام دانستند که قیام وی حتمی است و اوست که زمین را پس از آنکه از ظلم و بی‌عدالتی پر شده باشد، سرشار از عدل و داد خواهد ساخت. برای نمونه، ابوحمزه با گروهی نزد امام باقر علیه‌السلام بود و آن حضرت بعد از رفتن مردم خطاب به وی، از حتمی بودن قیام قائم علیه‌السلام به‌عنوان هفتمین امام بعد از خود خبر داد که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد (نعمانی، ۱۳۹۷، ص۸۶). بر اساس نقلی دیگر از ابوحمزه، آن

حضرت از یاری قائم در هنگام قیام به‌وسیله ملائکه سخن گفته است (همان، ص۲۳۴). فضیلت درک قائم علیه‌السلام و اعتقاد به امامت آن حضرت در زمان غیبت و دوست داشتن دوستان و دشمن داشتن دشمنان او نیز در روایات وی دیده می‌شود (صدوق، ۱۳۹۵، ج۱، ص۲۸۶). بر اساس روایات ابوحمزه، علائمی نظیر خروج سفیانی و قتل نفس زکیه و ندای آسمانی، حتمی است (همان، ج۲، ص۶۵۲). همچنین در نقل‌های رسیده از ابوحمزه درباره مهدویت، نزول حضرت عیسی علیه‌السلام بعد از ظهور قائم علیه‌السلام و نماز پشت سر آن حضرت و ایمان یهودیت و مسیحیت به آن حضرت نیز دیده می‌شود (قمی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۱۵۸). طبق روایتی، امام باقر علیه‌السلام با اشاره به سمت کوفه، به ابوحمزه فرمود: وقتی قائم اهل‌بیت به نجف نزدیک شود، پرچم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله را برخواهد افراشت و در این هنگام، فرشتگان بدر بر او فرود آیند (نعمانی، ۱۳۹۷، ص۳۰۸ و عیاشی، ۱۳۸۰، ج۱، ص۱۰۳). بر اساس یکی از روایات ابوحمزه، یازده مهدی بعد از قائم علیه‌السلام از فرزندان حسین علیه‌السلام خواهد بود (طوسی، ۱۴۱۱، ص۴۷۸) که چنین روایاتی در منابع امامیه، اندک است و از سوی عالمان پذیرفته نشده و مورد نقد قرار گرفته است (ر.ک: رحمان‌ستایش و قضاوی، ۱۳۹۳، ص۹۳-۹۷).

نتیجه‌گیری

در واکاوی روایات ابوحمزه در عرصه امام‌شناسی، امامت، مقام خلافت، و امام، حجت الهی معرفی شده و وجود امام در زمین برای هدایت مردم ضروری است. در نقل‌های ابوحمزه، تعداد امامان دوازده نفر بوده که با تعابیری مانند دوازده وصی یا مهدی نیز آمده است. مقام امامت در روایت‌های وی، با ولایت گره خورده که از سوی خدا و از ارکان اسلام بوده است. یکی از ویژگی‌های امام در نقل‌های ابوحمزه، واجب‌الاطاعه و ضروری بودن معرفت اوست. بر اساس روایت وی از امام سجاد علیه‌السلام، خلقت نوری امامان نیز در روایات او دیده می‌شود. از دیدگاه روایت وی، علم امام، الهی بوده و امامان خازنان علم الهی بودند که ازطریق رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به آنان رسیده است. برخی منابع علم امام، مانند الواح موسی علیه‌السلام، جفر، مصحف فاطمه علیهاالسلام و نزول روح، در محتوای روایات وی به چشم می‌خورد. انجام امور خارق‌العاده، مثل آگاهی بر ضمیر افراد و نیز ورود ملائکه به منزل امامان نیز از محتوای روایات ابوحمزه است. توجه به مهدویت و ظهور قائم علیه‌السلام، از دغدغه‌های ذهنی ابوحمزه بود که در این زمینه روایاتی نقل کرده است.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌بابویه، علی‌بن‌حسین (۱۴۰۴ق)، الامامه و التبصره من الحیره، قم: مدرسه الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.

۲. ابن‌حجر، أحمدبن‌علی (۱۳۲۶ق)، تهذیب التهذیب، حیدرآباد هند: دائرة المعارف النظامیه.

۳. ـــــــــ (۱۴۱۵ق)، الاصابه فی تمییز الصحابه، تحقیق: عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۴. ابن‌خلدون، عبدالرحمن‌بن‌محمد(۱۴۰۸ق)، تاریخ ابن خلدون، تحقیق: خلیل شحاده، بیروت: دار الفکر.

۵. ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۰ق)، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیة.

۶. ابن‌طقطقی، محمد بن علی بن طباطبا (۱۴۱۸ق)، الفخری فی الآداب السلطانیه و الدول الاسلامیه، تحقیق: عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دار القلم العربی.

۷. ابن‌عساکر، علی‌بن‌حسن (۱۴۱۵ق)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.

۸. ابن‌ماجه، محمدبن‌یزید (۱۴۱۸ق)، سنن ابن‌ماجه، تحقیق: معروف بشار عواد، بیروت: دار الجیل.

۹. ابن‌ندیم، محمدبن‌اسحاق (۱۳۹۸ق)، الفهرست، بیروت: دار المعرفه.

۱۰. اشعری، ابوالحسن (۱۴۰۰ق)، مقالات الإسلامیین و اختلاف المصلین، آلمان ـ ویسبادن: فرانس شتاینر.

۱۱. ابوالفرج اصفهانی، علی‌بن‌حسین، (بی‌تا)، مقاتل الطالبیین، تحقیق: سید احمد صقر، بیروت: دار المعرفه.

۱۲. اهوازی کوفی، حسین‌بن‌سعید (۱۴۰۲ق)، الزهد، تحقیق: غلامرضا عرفانیان، قم: المطبعة العلمیة.

۱۳. برقی، احمدبن‌محمد (۱۳۷۱ق)، المحاسن، تحقیق: جلال‌الدین محدث، قم: دار الکتب الاسلامیه.

۱۴. بلاذری، احمدبن‌یحیی (۱۳۳۸ش)، انساب الاشراف، مصر: دار المعارف.

۱۵. ترمذی، محمدبن‌عیسی (۱۴۱۹ق)، الجامع الصحیح و هو سنن الترمذی، قاهره: دار الحدیث.

۱۶. تفتازانی، سعدالدین (۱۴۰۹ق)، شرح المقاصد، تحقیق و تعلیق: عبدالرحمن عمیره، قم: الشریف الرضی.

۱۷. توران، امداد (۱۳۹۴ش/الف)، «جریان‌شناسی راویان روایات خلقت نوری اهل‌بیت علیهم‌السلام در دو مدرسه کوفه و قم»، کلام امامیه، ش۲، ص۶۷-۱۰۰.

۱۸. ـــــــــ (۱۳۹۴ش/ب)، «مضمون‌شناسی احادیث خلقت نوری اهل‌بیت علیهم‌السلام»، شیعه‌شناسی، ش۳، ص۷-۳۰.

۱۹. ثمالی، ابوحمزه (۱۴۲۰ق)، تفسیر القرآن الکریم، گردآورنده: محمد حرزالدین، بیروت: دار المفید.

۲۰. حاکم نیشابوری، محمدبن‌عبدالله (۱۴۱۱ق)، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.

۲۱. حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۴۱۱ق)، خلاصه الرجال فی معرفه احوال الرجال، قم: دار الذخائر.

۲۲. خانی، حامد، (فرهنگ مهروش) (۱۴۰۰ش)، ابوحمزه ثمالی و دعا، وبگاه دایرة المعارف بزرگ اسلامی، بهمن. https://www.cgie.org.ir/fa/article/۲۶۶۴۵۶/

۲۳. خزاز، علی‌بن‌محمد (۱۴۰۱ق)، کفایه الاثر فی النص علی الائمه الاثناعشر، تصحیح: عبداللطیف حسینی، قم: بیدار.

۲۴. خطیب بغدادی، احمدبن‌علی (۱۴۱۷ق)، تاریخ بغداد، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۵. خویی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ق)، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه.
۲۶. راد، علی (۱۴۰۲ش)، «ابوحمزه ثمالی، استاد متروک الحدیث حفص‌بن‌غیاث؛ تحلیل و ارزیابی دو فرضیه»، مشکوة، ش ۱۵۸، ص۴-۳۲.
۲۷. رحمان‌ستایش، محمدکاظم و قضاوی، منیره (۱۳۹۳ش)، «جهان پس از امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف از دیدگاه روایات»، مشرق موعود، ش۳۲، ص۸۷-۱۰۵.
۲۸. شهرستانی، محمدبن‌عبدالکریم، (۱۳۶۴ش)، الملل و النحل، قم: الشریف الرضی.
۲۹. صدوق، محمدبن‌علی (۱۳۶۲ش)، الخصال، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. ـــــــــ (۱۳۷۶ش)، الامالی، تهران: کتابچی.
۳۱. ـــــــــ (۱۳۷۸ش)، عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، تهران: نشر جهان.
۳۲. ـــــــــ (۱۳۸۵ش)،علل الشرایع، قم: داوری.
۳۳. ـــــــــ (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: اسلامیه.
۳۴. ـــــــــ (۱۴۱۳ق)، من لایحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۵. ـــــــــ، (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۳۶. صفار، محمدبن‌حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات، تحقیق: محسن‌بن‌عباسعلی کوچه‌باغی، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی النجفی.
۳۷. صفدی، خلیل‌بن‌ایبک (۱۴۱۰ق)، الوافی بالوفیات، تحقیق: هلموت ریتر، بیروت: دار النشر فرانز شتاینر.
۳۸. طبرسی، فضل‌بن‌حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: فضل‌الله یزدی طباطبایی، تهران: ناصر خسرو.
۳۹. طبری، محمدبن‌جریر، (۱۳۸۷ق)، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق: محمد ابراهیم، بیروت: دار التراث.
۴۰. طوسی، محمدبن‌حسن (۱۳۷۳ش)، الرجال، تحقیق: جواد قیومی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
۴۱. ـــــــــ (۱۴۱۱ق)، الغیبه، تحقیق: عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، قم: دار المعارف الاسلامیه.
۴۲. ـــــــــ (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دار الثقافه.
۴۳. ـــــــــ (۱۴۲۰ق)، فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول، قم: ستاره.
۴۴. عده‌ای از علما (۱۳۶۳ش)، الاصول السته عشر، قم: دار الشبستری للمطبوعات.
۴۵. علم‌الهدی، سیدمرتضی (۱۴۱۰ق)، الشافی فی الامامه، تحقیق: سیدعبدالزهراء حسینی، تهران: مؤسسه صادق علیه‌السلام.
۴۶. عیاشی، محمدبن‌مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر عیاشی، تحقیق: سیدهاشم محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.

۴۷. فرات‌بن‌ابراهیم (۱۴۱۰ق)، تفسیر فرات، تحقیق: محمد کاظم، تهران: مؤسسه الطبع و النشر فی وزاره الارشاد الاسلامیه.
۴۸. قمی، علی‌بن‌ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر قمی، تحقیق: سیدطیب موسوی جزائری، قم: دار الکتاب.
۴۹. کشی، محمدبن‌عمر (۱۴۰۹ق)، اختیار معرفه الرجال، تحقیق: حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۵۰. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۵۱. محلی، حمیدبن‌احمد (۱۴۲۳ق)، الحدائق الوردیه فی مناقب الائمه الزیدیه، صنعا: مکتبة بدر، ۱۴۲۳ق.
۵۲. مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۶ش)، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، ترجمه: سیدعلی قرائی و رسول جعفریان، قم: نشر مورخ.
۵۳. مزی، یوسف‌بن‌عبدالرحمن (۱۴۰۰ق)، تهذیب الکمال، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسة الرسالة.
۵۴. مسعودی، علی‌بن‌حسین (۱۴۰۹ق)، مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: مؤسسه دار الهجره.
۵۵. مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق/الف)، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۵۶. ـــــــــ (۱۴۱۳ق/ب)، الامالی، تحقیق: حسین استاد ولی و علی‌اکبر غفاری، قم: کنگره هزاره شیخ مفید.
۵۷. نجاشی، احمدبن‌علی (۱۴۰۷ق)، رجال النجاشی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵۸. نعمانی، محمدبن‌ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبه، تحقیق: علی‌اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
۵۹. نوبختی، حسن‌بن‌موسی (۱۴۰۴ق)، فرق الشیعه، بیروت: دار الأضواء.
۶۰. هاشمی، سیدعلی (۱۳۹۳ش)، «علم امام؛ تام یا محدود»، مشرق موعود، ش۳۲، زمستان، ص۵۰-۷۱.